

## اقتباس‌ها و استنادهای قرآنی امام رضا<sup>(ع)</sup> در حدیث امامت

فتحیه فتاحی‌زاده\*

دانشیار دانشگاه الزهراء، تهران

حسین افسردیر\*\*

دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

عصمت رحیمی\*\*\*

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۷)

### چکیده

«اقتباس» یکی از اشکال به‌کارگیری و تبلور آیات قرآن کریم در کلام معصومان<sup>(ع)</sup> می‌باشد. مقاله حاضر با هدف بررسی گونه‌های اقتباس و انگیزه به‌کارگیری آن در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> به رشته تحریر درآمده است. با توجه به اینکه قرآن کریم منزلت و مکانتی خاص نزد مسلمانان دارد و بهترین منبع و سرچشمه‌ای است که ائمه<sup>(ع)</sup> مضامین عالی و بلند خود را از آن می‌گیرند، امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز در حدیث امامت به طور فراوان از آیات قرآن بهره گرفته است و با این اثرپذیری به بیان دقیق ابعاد و زوایای گوناگون امامت و مسائل مربوط به آن پرداخته است. در این مقاله، ابتدا مفهوم اقتباس و انگیزه‌های آن توضیح داده می‌شود، سپس به بررسی این عنصر ادبی در خطبه پرداخته می‌شود. در این حدیث شریف، گونه‌هایی از اقتباس قرآنی، از جمله اقتباس کامل، جزئی، متعیر، اشاره‌ای و استنباطی ملاحظه می‌شود که امام<sup>(ع)</sup> هر یک از این گونه‌ها را با انگیزه و هدفی خاص به کار برده است که در این نوشتار تلاش می‌شود این اقتباس‌ها با رویکردی تحلیلی مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: امام رضا<sup>(ع)</sup>، حدیث امامت، اقتباس‌های قرآنی.

---

\* E-mail: f\_fattahizadeh@alzahra.ac.ir

\*\* E-mail: hosin1366@gmail.com

\*\*\* E-mail: esmatrahimi66@gmail.com (نویسنده مسئول)

## مقدمه

اقتباس از قرآن به عنوان یکی از محسنات علم بدیع، از آغاز شیفتگی مسلمانان به این کتاب آسمانی تاکنون رواج داشته و دارد و هر روز متناسب با بهره‌گیری معنوی بشر از قرآن، جلوه و رنگی تازه به خود می‌گیرد. پیش از نزول قرآن، اقتباس از دیگر شاعران عیب و ننگ به حساب می‌آمد و در شمار سرقت ادبی و انتحال قرار می‌گرفت. اما بدون تردید پس از نزول قرآن، اقتباس از آن مایه مباهات شاعران و سخنوران و زینت‌افزای اثر و سخن آنان به حساب می‌آمده و می‌آید.

کمیت و کیفیت اقتباس، گویای میزان و چگونگی پیوند مقتبس و مقتبس با هم است؛ بدین ترتیب که هرچه کمیت اقتباس بالاتر باشد، تنوع و عمق اقتباس در اثر و سخن اقتباس‌کننده بیشتر است و نشان از ذوب اقتباس‌کننده در اقتباس شونده دارد و از آنجا که پیوند امامان معصوم<sup>(ع)</sup> به گواه حدیث متواتر ثقلین (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۱۴ ق، ج ۸: ۶۸۴) با قرآن کریم، ازلی، ابدی و جاودانه است و عمیق‌ترین پیوند را با قرآن کریم دارند، لذا آبشخوری که اندیشه‌های امامان<sup>(ع)</sup> از آن سرچشمه گرفته است و بیشترین تأثیر را بر فکر و روح آن انوار پاک گذاشته، قرآن کریم است و قرآن بیش از هر منبعی، خاستگاه اندیشه و رفتارشان می‌باشد. بنابراین، در سخنان خود بیشترین بهره‌برداری و تأثیرپذیری را از قرآن داشته‌اند و در جای‌جای خطابه‌های این بزرگواران، آیات قرآنی به صورت آشکار و نهان نمود دارد.

با نگاهی به حدیث معروف امام رضا<sup>(ع)</sup> درباره امامت که میان پیروان مذاهب مختلف مسلمان و غیرمسلمان، از لبان مبارک این امام همام بیان شده است و در کتب حدیثی معتبر<sup>۱</sup> نقل شده، درمی‌یابیم که این حدیث شریف در بر دارنده ابعاد و زوایای گوناگونی از حقیقت امامت می‌باشد. همچنین با دقت و توجه در همه منابع که این حدیث شریف در آنها بیان شده است و با واکاوی دوران امام رضا<sup>(ع)</sup> روشن می‌شود که یکی از موضوعات مورد اختلاف در آن زمان، بحث امامت بود. لذا امام<sup>(ع)</sup> در این کلام شریف به روشن ساختن زوایای مختلف امامت می‌پردازد. در این کلام شریف، امام<sup>(ع)</sup> به شکل‌گیری امامت و اعطای این مقام

بزرگ به حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> تا به ارث رسیدن آن به پیامبر بزرگ اسلام<sup>(ص)</sup> و امامان معصوم<sup>(ع)</sup> اشاره می‌نمایند و آن را مدلول شایستگی‌های مهمی، از جمله علم و ایمان می‌دانند. علاوه بر این، به جلوه‌هایی از مقام و جایگاه رفیع امام اشاره می‌نمایند که از حدّ فهم و اندیشهٔ انسان‌ها بیرون است و همگان به عجز و ناتوانی در شناخت کُنه وجود او که تجلی نور الهی است، اذعان دارند.

همچنین امام رضا<sup>(ع)</sup> با تعبیرها و تشبیه‌های پرمعنا، جلوه‌ای از حقیقت بیکران امام را برای عقول بشری قابل فهم می‌سازند و قریب به هشتاد و پنج صفت از صفات و خصیصه‌های امامت را برمی‌شمارند، نیز در فرازی از این حدیث اشاره به مسئولیت‌های امام می‌نمایند و آن را استقرار و پاسداری از دین الهی و برپا نمودن فروع الهی می‌دانند. همچنین امام<sup>(ع)</sup> از برخورد مردم با مسئلهٔ امامت و کنار گذاشتن انتخاب الهی انتقاد می‌کنند. نکتهٔ قابل توجه در این کلام وحی گونه، تمسک جستن و اقتباس از آیات قرآنی می‌باشد.

از همین رو، در این نوشتار تلاش شده تا علاوه بر ذکر گونه‌های این نوع اقتباس در حدیث، به انگیزه این وام‌گیری‌ها که در واقع، وجه تمایز این نوشته با دیگر پژوهش‌های پیرامونی خواهد بود، اشاره شود. لذا سؤال اساسی مطرح در این مقاله آن است که در حدیث امام رضا<sup>(ع)</sup> کدام گونهٔ اقتباس به کار رفته و انگیزه‌ها و اهداف آن چیست؟

یکی از پژوهش‌هایی که پیرامون اقتباس قرآنی در روایات انجام گرفته است، مقالهٔ «اقتباس‌های قرآنی در نهج‌البلاغه» از حمید عباس‌زاده در فصلنامهٔ مطالعات تفسیری (سال اول، شمارهٔ ۱، بهار ۱۳۸۹) است. در این مقاله، به نوع به کارگیری الفاظ و مضامین قرآنی در نهج‌البلاغه پرداخته شده است، لیکن انگیزهٔ این وام‌گیری‌ها به طور کامل بررسی نشده است.

پیرامون رابطهٔ خطبهٔ امام رضا<sup>(ع)</sup> با قرآن نیز مقاله‌ای از زهره اخوان مقدم با عنوان «بررسی مستندات قرآنی حدیث امامت امام رضا<sup>(ع)</sup>» در فصلنامهٔ سفینه (شمارهٔ ۴۱، زمستان ۱۳۹۲) نوشته شده است. در این مقاله، صرفاً آیاتی که صریحاً و آشکارا در این خطبه استفاده شده، مورد بررسی قرار گرفته است، اما تا آنجا که نگارندگان این مقاله جستجو کرده، دربارهٔ اقتباس‌های قرآنی در خطبهٔ امام رضا<sup>(ع)</sup> پژوهشی صورت نگرفته است.

## ۱- مفهوم‌شناسی اقتباس

کلمه «اقتباس» مصدر عربی از باب افتعال به معنای گرفتن، اخذ کردن، آموختن (معین، ۱۳۴۲: ذیل واژه)، فراگرفتن علم، هنر و ادب از دیگری است (همایی، ۱۳۶۴: ۳۸۳) که امروزه در برابر آن، کلمه انطباق یا بازنویسی نیز به کار می‌رود. در زبان عربی می‌گویند: «قَبَسْتُ مِنْ فُلَانٍ نَارًا أَوْ خَيْرًا وَقَتَبَسْتُ مِنْهُ عِلْمًا وَأَقْبَسَنِي فُلَانٌ إِذَا أُعْطَاكَ قَبَسًا» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۴۸). کاشفی نیز اقتباس را به معنای جستجوی شراره و پاره‌ای آتش برای روشنی و گرمابخشی می‌داند (ر.ک؛ کاشفی سبزواری، بی تا: ۶۹). چنان که در قرآن کریم هم این واژه به همین معنا کار رفته است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهْلِهِ إِنِّي آنَسْتُ نَارًا سَاءَ تَبِيكُم مِّنْهَا بَخَبِيرٍ أَوْ آتِيكُم بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ﴾ (النمل/۷). بنابراین، اقتباس به معنای گرفتن از چیزی و بهره‌مندی از آن می‌باشد.

از لحاظ اصطلاحی، در علم بدیع، اقتباس آن است که در کلام - نثر یا نظم - مطلبی از قرآن یا حدیث یا بیته معروف را بیاورند، در حالی که اشاره‌ای صریح به آن آیه، حدیث یا بیت نکرده باشند (ر.ک؛ جرجانی، ۱۳۲۱، ج ۱: ۱۸۳). بنابراین، شرط اصلی در اقتباس این است که به منبع اقتباس و گوینده اصلی اشاره نشود؛ یعنی گفته نشود: «قَالَ اللَّهُ كَذَا» یا «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ كَذَا» (ر.ک؛ تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۳۰۸).

## ۲- اقسام اقتباس

اقتباس را از جنبه‌های گوناگونی تقسیم‌بندی کرده‌اند:

۱-۲) گروهی آن را بر اساس منظور و هدف استفاده از الفاظ اقتباس شده، خواه معنا تغییر کرده باشد یا نه و نیز اینکه ناظر به قرآن است نه سایر متون ادبی، به سه قسم تقسیم کرده‌اند:

الف) اقتباس مقبول: آنچه که در خطبه‌ها، مواعظ و عهدنامه‌ها و مدح پیامبر و مانند آن است.

ب) اقتباس مباح: آنچه که در غزل، نامه‌ها و قصه‌ها باشد.

ج) اقتباس مردود: این خود دو قسم است: اول آنچه که خداوند آن را به خود نسبت داده است، ولی فرد اقتباس‌کننده آن را به خودش نسبت دهد؛ مانند سخن یکی از بنی مروان در زمانی که شکایت یکی از کارگزارانش را مطالعه می‌کرد، گفت: ﴿إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ، ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ﴾ (الغاشیه / ۲۵-۲۶).

۲-۲) این است که آیه قرآن در معنای هزل (شوخی و مسخره‌گویی) آورده شود؛ مانند:

«أوحى إلى عشاقه طرفه  
و ردفه ينطق من خلفه  
هيهات هيهات لِمَا تُوعَدُونَ  
لمثل ذا فليعمل العاملون»  
(سبیوطی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۲۹۷ و  
ابن حجه، بی‌تا، ج ۴: ۳۵۷).

۲-۲) گروهی دیگر اقتباس را به دو نوع تقسیم می‌نمایند و اساس این نوع تقسیم، تغییر یا نبود تغییری است که در معنای عبارات اقتباس‌شده انجام می‌شود که بر این اساس به دو گونه تقسیم می‌شود:

الف) آنچه اقتباس شده، از معنای اصلی خود تغییر داده نشود؛ مانند: «یا قوم، اصبروا علی المحرمات، و صبروا علی المفترضات، و راقبوا بالمراقبات، و اتقوا الله فی الخلوات ترفع لكم الدرجات» (احمدنگری، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۱۰۱).

در متن اصلی نویسنده، اشاره‌ای نشده است که کدام قسمت از این جملات، اقتباس است. شاید بتوان گفت که جمله آخر اقتباسی از این آیه است: ﴿تَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّنْ نَّشَاءٍ﴾ (الأنعام / ۸۳).

ب) آنچه اقتباس شده، از معنای اصلی خود تغییر یافته باشد؛ مانند این سخن:

«لَئِن أُخْطِئَتْ فِي مَدْحِكَ مَا أُخْطِئَتْ فِي مَنَعِي  
لَقَدْ أَنْزَلْتَ حَاجَاتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ»

قسمت آخر مصراع دوم، از گفته حضرت ابراهیم<sup>(ع)</sup> در قرآن ﴿رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ﴾ (ابراهیم / ۳۷) اقتباس شده که در آیه به معنای سرزمینی آمده که آب و گیاه ندارد، ولی در شعر به معنای شخصی که خیر و نفعی در او نیست، منتقل شده است (ر.ک؛ احمد نکری، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۱۰۱-۱۰۲) و معنای آن بیت، چنین است: اگر در مدح تو خطا کردم، در اینکه خیری از تو به من نمی‌رسد، خطا نکرده‌ام؛ زیرا حاجت خود را نزد فردی آورده‌ام که خیر و نفعی ندارد.

۳-۲) اساس این دیدگاه، میزان تغییر در الفاظ و ترکیب جملات اقتباس شده می‌باشد، خواه با این تغییر الفاظ، معنا هم تغییر کرده باشد یا اینکه معنا تغییر نکرده باشد که بر این اساس، اقتباس به پنج گونه کامل، جزئی، متغیّر، استنباطی، اشاره‌ای تقسیم می‌شود (ر.ک؛ عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴).

### ۳- انگیزه‌های اقتباس

بهره‌گیری و تأثیرپذیری معصومان<sup>(ع)</sup> از قرآن به شیوه اقتباس، با انگیزه‌های گوناگونی انجام می‌گیرد: به قصد تبرک و تیمّن (یعنی با آوردن کلام خداوند، به سخن خود مبارکی و تبرک بخشیدن)، به قصد تحمید، تهلیل و تسبیح (یعنی با بهره‌گیری از آیات قرآن، به مدح و ثنا پرداختن یا اقرار به توحید، یا پیراستن خدای تعالی از نقص و کاستی)، به قصد تبیین، تفسیر و توضیح (یعنی با آوردن عبارت قرآنی، مقصود خویش را آشکار ساختن)، به قصد تعلیل و توجیه (یعنی آیه‌ای از قرآن را بر سخن خود دلیل آوردن)، به قصد تحریض و تحذیر (یعنی با آوردن عبارت قرآنی، خواننده را به چیزی تحریض و تشویق کردن، یا از چیزی تحذیر و زنهار دادن)، به قصد استشهاد و استناد (یعنی مقصود خود را به کلام خداوند، مستند کردن و سخن خدا را شاهد آن ساختن)، به قصد جری و تطبیق (یعنی عبارت قرآنی را بر مصادیق جدید غیر از مصادیق زمان نزول تطبیق دادن)، به قصد تزیین و تجمیل (یعنی کلام خویش را با گزاره‌های قرآنی، آراستن و زیبا ساختن)، به قصد استدلال و احتجاج (یعنی با آوردن عبارت قرآنی، به روشنگری بهتر و اقناع مخاطب پرداختن) (ر.ک؛ خیطا، ۱۳۹۱: ۹).

## ۵- استشهداد صریح و آشکار قرآنی در حدیث

با توجه به بررسی‌های انجام شده، امام رضا<sup>(ع)</sup> در این حدیث در موارد فراوانی به طور صریح به آیات زیادی از قرآن استشهداد و استناد کرده است که این موارد را نمی‌توان به عنوان اقتباس در نظر گرفت؛ چراکه در تعریف اصطلاحی اقتباس بیان شد که در اقتباس شرط است به منبع و گوینده کلام اقتباس شده اشاره نشود. از همین رو، این موارد که در آنها صریحاً بیان شده که در قرآن چنین آمده است و خداوند فرموده، نمی‌تواند به عنوان اقتباس در نظر گرفته شود.

مواردی از این دست عبارت است از:

در فراز ابتدایی این خطبه، حضرت در باب سیر امامت، موقعیت و جایگاه امامت می‌فرماید: امامت جایگاه و مقامی بس رفیع دارد و عمقش ژرف‌تر از آن است که مردم بتوانند با خرد خود به آن دست یابند یا با دست خود بتوانند امامی انتخاب کنند. در ادامه می‌فرماید که امامت ویژه خواص و پاکان می‌باشد و در این زمینه این گونه می‌فرماید: «قال الله تبارک و تعالی: ﴿وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَ مِنْ دُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (البقره/۱۲۴). فقال: ﴿وَ وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ نَافِلَةً وَ كَلَّمْنَا صَالِحِينَ \* وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَ أَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ آتَاءَ الزَّكَاةِ وَ كَانُوا لَنَا عَابِدِينَ﴾ (الأنبياء/۷۳-۷۲). فقال جلّ و تعالی: ﴿إِن أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران/۶۸). در ادامه، از امامت حضرت علی<sup>(ع)</sup> و فرزندان برگزیده او که خداوند به سبب وجود شایستگی‌های علم و ایمان، امامت را به آنان ارزانی داشته، سخن به میان می‌آورد و کلام خودش را مستند به این آیه قرآن می‌کند، به قوله تعالی: ﴿وَ قَالَ الَّذِينَ أُوْتُوا الْعِلْمَ وَ الْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَكِن كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (الروم/۵۶).

در فرازی دیگر از این خطبه شریفه، از دلایل نبود توانایی مردم در انتخاب امام و ویژگی های امام که باعث این ناتوانی در انتخاب شده است، سخن به میان می آورند و ناگفته های این مهم را یادآور می شود و کلام مبارک ایشان را مستند به این آیات شریفه، قرآن می نماید و می فرماید: «فی قوله تعالى: ﴿أَقْمِن يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمَّنْ لَّا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يَهْدَىٰ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ﴾ (یونس/۳۵) و بقوله تبارک و تعالی: ﴿وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا﴾ (البقره/۲۶۹) و قوله فی طالوت: ﴿إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلَكَهُ مِنْ يَشَاءِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (البقره/۲۴۷) و قال لنبیه (ص) ﴿أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا﴾ (النساء/۱۱۳) و قَالَ فِي الْأُمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّهِ وَ عَرَّتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ: ﴿أُمَّ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَىٰ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا \* فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ كَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا﴾ (النساء/۵۴-۵۵).

در فراز پایانی این خطبه، حضرت به نکوهش خداوند درباره غاصبان خلافت اشاره می کند و تجاوز از حق و کنار گذاشتن انتخاب الهی از سوی ایشان را یادآور می شود و می فرماید: «فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (القصص/۵۰) وَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿فَتَعَسَّأَ لَهُمْ وَ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾ (محمّد/۸) وَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ: ﴿كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ﴾ (الغافر/۳۵).

چنان که مشاهده شد، در این عبارات، حضرت با آوردن نشانه ای، آیه را از کلام خود جدا می فرماید و در این موارد، تنها آیات قرآن را به عنوان شاهد بر کلام خود ذکر می کنند.



## ۵- اقتباسات قرآنی در خطبه امام رضا<sup>(ع)</sup> و انگیزه آن

با نگاهی به خطبه امام رضا<sup>(ع)</sup>، می‌توان گونه‌های اقتباس در آن را به پنج شکل اقتباس کامل، اقتباس جزئی، اقتباس متغیر، اقتباس استنباطی و اقتباس اشاره‌ای تقسیم کرد. در ادامه، به بررسی گونه‌های اقتباس در کلام امام، همراه با انگیزه وام‌گیری در خطبه مورد نظر پرداخته می‌شود.

### ۵-۱) اقتباس کامل

در این نوع از اقتباس، عین نص قرآنی در اثر و کلام متکلم به کار گرفته می‌شود، بی‌آنکه هیچ تغییر یا دخل و تصرفی در آن ایجاد گردد (ر.ک؛ عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۵). اقتباس‌هایی از این دست را می‌توان در کلام امام<sup>(ع)</sup> در موارد ذیل خلاصه کرد:

**الف) امام<sup>(ع)</sup> در بخشی از این خطبه، در واقع، به سرزنش گروهی می‌پردازد که از بزرگترین نعمت الهی رویگردان شدند و امری را که مربوط به خدا و پیامبرش بود، خود به عهده گرفتند. امام در این باره فرمودند: «رَغِبُوا عَنِ اخْتِيَارِ اللَّهِ وَ اخْتِيَارِ رَسُولِ اللَّهِ<sup>(ص)</sup> وَ اَهْلِ بَيْتِهِ اِلَى اخْتِيَارِهِمْ وَ الْقُرْآنُ يُنَادِيهِمْ ﴿وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ يَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ تَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾ (القصص/۶۸): آنان انتخاب خدا و رسول او را کنار گذارده، انتخاب خود را در نظر گرفتند، در حالی که قرآن با صدایی بلند به آنان خطاب می‌کند: «و پروردگار تو آنچه را بخواهد می‌آفریند و برمی‌گزیند. آنان حق انتخاب ندارند و خداوند از شرک آنها منزّه و برتر است» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ق، ج ۱: ۲۱۶). امام<sup>(ع)</sup> در این فراز، با اقتباسی که انجام داده است، علاوه بر تصریح بر اینکه انتخاب امام از اختیارات بشر نیست، همچنان که در روایاتی که از طرق اهل بیت<sup>(ع)</sup> به ما رسیده است (ر.ک؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ق، ج ۴: ۱۳۶). آیه مذکور در این سخن را به مسئله اختیار و گزینش امام معصوم از سوی خدا تفسیر می‌کند و جمله ﴿مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ﴾ آنان (در برابر او) اختیاری ندارند» نیز بر همین معنی تطبیق شده است و این در واقع، از قبیل بیان**

مصدق روشن است (ر.ک؛ مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۱۴۳). بنابراین، می‌توان انگیزه و هدف امام<sup>(ع)</sup> را در این اقتباس، عتاب و سرزنش دانست.

(ب) در فرازی دیگر از این خطبه، صفات و امتیازات خاص امام را یادآور می‌شود و پس از آن در مقام تعلیل، آیه ۴ سوره جمعه را اقتباس می‌کند تا آشکار سازد که علت این امتیازات، بخشش و کرم الهی است و می‌فرماید: «فَهُوَ مَعْصُومٌ مُّوَيَّدٌ مُّوَفَّقٌ مُّسَدَّدٌ قَدْ أَمِنَ مِنَ الْخَطَايَا وَالزَّلَلِ وَالْعِثَارِ... ﴿وَذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ﴾ (الجمعه/۴): پس او (امام) معصوم تأییدشده با توفیق الهی، بی‌عیب و نقص و از هر گونه عیب و نقص در امان است... و این فضل خداست که به هر کس بخواهد می‌دهد و خداوند دارای فضلی بزرگ است» (ابن‌بابویه قمی، ۱۳۷۸، ق. ۱، ج ۱: ۲۲۲).

## ۵-۲) اقتباس جزئی

در این نوع از اقتباس که در واقع، پربسامدترین گونه اقتباس از آثار ادبی می‌باشد، ترکیب‌ها و عباراتی گزیده از قرآن در متن آورده می‌شود. این نوع اقتباس در درجه نخست، نشانه انس با قرآن است (ر.ک؛ عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۶). بنابراین، پیداست که این نوع اقتباس در کلام امامان که قرآن ناطق و شایسته‌ترین افراد در بهره‌جویی از فرازهای نورانی کلام وحی هستند، فراوان دیده شود. امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز در کلام خود از این نوع اقتباس استفاده نموده‌اند:

**الف)** در بخشی از این خطبه، حضرت به ترسیم سرانجام کسانی می‌پردازد که برای خود پیشوایی غیرمعصوم و غیرالهی برگزیده‌اند و نیز به نفرین آنان که با انحراف در مسیر امامت، معضل بدی را در جامعه ایجاد کردند. در این فراز، با اقتباس از آیاتی که در قرآن نیز مبتنی بر سبک و سیاق نفرین می‌باشد، نوعی تطبیق میان منحرفان آگاه در مسیر ولایت و امامت، با چشم‌پوشان از حقیقت در کلام خداوند که به نوعی ویژگی مشترک دارند، انجام داده، می‌فرماید: «وَاللَّهِ أَنْفُسُهُمْ وَ مَنَّتَهُمُ الْأَبَاطِيلُ فَارْتَقُوا مَرْتَقَى صَغْبًا دَخَضًا تَزَلُّ عَنْهُ إِلَى الْحَضِيضِ أَقْدَامُهُمْ رَامُوا إِقَامَةَ الْإِمَامِ بِعُقُولٍ حَائِرَةٍ بَائِرَةٍ نَاقِصَةٍ وَ آرَاءٍ مُضِلَّةٍ فَلَمْ يَزِدُوا مِنْهُ إِلَّا بَعْدًا ﴿قَاتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾ (التوبة/ ۳۰ و المنافقون/ ۴) وَ لَقَدْ رَامُوا

صَغْبًا وَ قَالُوا إِنْ كَأُ وَ ﴿قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا﴾ (النساء / ۱۶۷) وَ وَقَعُوا فِي الْحَيْرَةِ إِذْ تَرَكُوا  
 الْإِمَامَ عَنْ بَصِيرَةٍ وَ ﴿وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا  
 مُسْتَبْصِرِينَ﴾ (العنكبوت / ۳۸): به خدا قسم! نفس ایشان به آنان دروغ گفته است و  
 اباطیل، آنان را به آرزو انداخته است و در نتیجه، به پرتگاهی بلند، مشکل و لغزنده پا  
 گذارده‌اند که پاهایشان از آن خواهد لرزید، به پایین خواهند افتاد، با عقولی سرگردان،  
 ناقص و بایر و عقایدی گمراه‌کننده در صدد نصب امام برآمده‌اند که جز دوری از مقصد،  
 نتیجه‌ای نخواهند گرفت؛ «خدا آنان را بکشد! به کجا برده شده‌اند؟! در صدد کاری بس  
 مشکل برآمده‌اند و خلاف حق سخن گفته‌اند و «به گمراهی عمیقی دچار گشته‌اند و در  
 سرگردانی افتاده‌اند»؛ زیرا با آگاهی امام را ترک کرده‌اند و «شیطان اعمال آنان را در نظر  
 ایشان زینت بخشید و آنان را از راه حق بازداشت، حال آنکه بینا و بصیر بودند».

ب) در جایی دیگر، در قالب نکوهش و سرزنش با اقتباس از سه آیه قرآن، گروهی که ماجرای  
 سقیفه و فاجعه غصب خلافت را به وجود آوردند، به یهودیانی تشبیه کرده است که  
 همواره به تکذیب پیامبر<sup>(ص)</sup> می پرداختند. در اینجا نیز مانند نمونه پیشین، امام<sup>(ع)</sup> سخن  
 اقتباس شده را در فضایی جدید و برای مصداق و دلالتی جدید به کار گرفته است و  
 می فرماید: «تَعَدَّوْا وَ بَيْتَ اللَّهِ الْحَقَّ ﴿وَ نَبَذُوا كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَانْتِهِمْ لَا  
 يَعْلَمُونَ﴾ (البقره / ۱۰۱) وَ فِي كِتَابِ اللَّهِ: ﴿الْهُدَىٰ وَ الشَّفَاءُ﴾ (فصلت / ۴۴) فَ نَبَذُوهُ وَ  
 ﴿اتَّبِعُوا أَهْوَاءَهُمْ﴾ (القمر / ۳) فَ دَمَّهْمُ اللَّهُ وَ مَقَّتَهُمْ وَ اتَّعَسَهُمْ: قسم به خانه خدا که از  
 حق تجاوز کرده‌اند و «کتاب خدا را به پشت سر انداخته‌اند، گویا هیچ نمی‌دانند». در  
 کتاب خدا، شفاء و هدایت است و آنها آن را کنار گذاشته‌اند و از هوای نفس خود پیروی  
 کرده‌اند. لذا خداوند آنان را نکوهش فرموده، مورد نفرت و غضب قرار داده، آنها را هلاک  
 کرده است» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۲۲).

### ۳-۵) اقتباس متغیّر

منظور از اقتباس متغیّر آن است که نویسنده یا متکلم بخشی مستقل از آیه قرآنی را از سیاق جدا و با ساختاری تغییر یافته، در لایه صرفی یا نحوی، در اثر و سخن خود به کار گیرد (ر.ک؛ عباسزاده، ۱۳۸۹: ۸۷). پاره‌ای از اقتباس‌های این خطبه از این دست است که حضرت با تغییراتی در ساختارهای قرآنی، با انگیزه‌های گوناگونی آنها را در خطبه به کار گرفته‌اند.

**الف)** در فرازی از این خطبه، امام<sup>(ع)</sup> با اقتباس از آیه‌ای که ناظر به خطاب قرآن به پیامبر<sup>(ع)</sup> درباره چگونگی انجام مأموریت آن حضرت می‌باشد و می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾ (النحل / ۱۲۵)، به شیوه دعوت امام اشاره می‌کنند و می‌فرمایند: ﴿وَيَدْعُو إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ﴾. امام رضا<sup>(ع)</sup> در اینجا با تغییرات ساختاری (تبدیل فعل امر به غایب) با انگیزه جرح و تطبیق، این نکته را بیان می‌دارند که ائمه معصومین<sup>(ع)</sup> همانند رسول خدا، با گفتار حکیمانه، مواعظ و نصایح متقن و روشن، خلق خدا را به سوی حق رهنمون می‌سازند.

**ب)** در فرازی دیگر، برای بیان این نکته که دعوت امامان<sup>(ع)</sup> همانند دعوت پیامبر، ویژگی‌ها و اهداف یکسانی دارد، با اقتباس از آیاتی که در آنها تعبیر «داعی الله» برای شخص پیامبر اکرم به کار رفته است؛ مانند ﴿يَا قَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ يَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيَجْرُكُمْ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ﴾ (الأحقاف / ۳۱)، از باب جری و تطبیق نیز از امام با عنوان «الداعی إلى الله: دعوت‌کننده الهی» یاد می‌فرماید.

**ج)** در فرازی، امام<sup>(ع)</sup> بر وجه استعاره، امام را به چراغی فروزان و ستاره راهنما تشبیه می‌کند و می‌فرماید: «الْإِمَامُ... وَ السَّرَاجُ الزَّاهِرُ... وَ النَّجْمُ الْهَادِي فِي غَيَابِ الدَّجِي: امام، چراغ درخشان و ستاره راهنما در دل تاریکی‌ها است» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۱۸).

شایان ذکر است که قرآن کریم نیز از پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> به «سراج منیر» تعبیر می‌کند و می‌فرماید: ﴿وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا﴾ (الأحزاب/۴۶). همچنین ذیل آیه شریفه ﴿وَعَلَامَاتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (التحل/۱۶). از امام صادق<sup>(ع)</sup> نقل شده است که «النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ وَ الْعَلَامَاتُ الْأَيْمَةُ» (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱: ۳۸۳؛ کوفی، ۱۴۱۰ ق: ۶۶۴ و قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲: ۵۶۳). منظور از ستاره، پیامبر<sup>(ص)</sup> و منظور از «علامات»، امامان<sup>(ع)</sup> هستند. لذا می‌توان انگیزه امام<sup>(ع)</sup> را از این توصیف‌ها که در قالب اقتباس از آیات صورت پذیرفته است، بر توضیح و تبیین حمل کرد.

#### ۴-۵) اقتباس استنباطی

در این نوع اقتباس که مهم‌ترین گونه اقتباس است، محوریت، کم‌وبیش با لفظ است؛ بدین معنا که نویسنده با الهام گرفتن از یک آیه قرآنی و پس از دریافت و درک مضمون، آن را به حکم ذوق و قریحه خود بیان می‌کند، به گونه‌ای که خواننده، حضور لفظی محسوس یا ذکری صریح از قرآن نمی‌بیند (ر.ک؛ عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۴). این نوع اقتباس نیز در کلام امام<sup>(ع)</sup> قابل مشاهده می‌باشد.

**الف)** بدیهی است یکی از اهداف امامت، بیان جزئیات و تفاسیل احکام شریعت در عرصه‌های مختلف می‌باشد، حضرت در فرازی از این خطبه، حضرت به شئون امام اشاره می‌نماید و می‌فرماید: «بِالْإِمَامِ تَمَامُ الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصِّيَامِ وَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ وَ تَوْفِيرُ الْفَيْءِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ إِمْضَاءُ الْحُدُودِ وَ الْأَحْكَامِ وَ مَنَعُ التَّغْوِيرِ وَ الْأَطْرَافِ الْإِمَامُ يُحِلُّ حَلَالَ اللَّهِ وَ يُحَرِّمُ حَرَامَ اللَّهِ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَدْبُ عَنْ دِينِ اللَّهِ: با امام، نماز، زکات، روزه، حج و جهاد به کمال خود می‌رسد، و فیه و صدقات و فور می‌یابد و حدود و احکام جاری می‌گردد و مرزها حفظ و حراست می‌شود. امام حلال خدا را حلال، و حرام خدا را حرام می‌کند و حدود او را جاری می‌نماید و از دین خدا دفاع می‌نماید» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ ق، ج ۱: ۲۱۶).

مقصود از اقامه حدود الهی، بیان و تعلیم و اجرای آن، از طرف حضرات معصومین<sup>(ع)</sup> در هر زمانی به حسب آن زمان می‌باشد (ر.ک؛ طاهری، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

از سویی، یکی از شئون پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> پیرو آیه ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل / ۴۴)، تبیین احکام الهی و تفسیر آیات قرآنی می‌باشد؛ زیرا تفاسیل این احکام در قرآن کریم بیان نشده است. از سوی دیگر، این وظیفه و شأن پس از پیامبر<sup>(ص)</sup> به امامان که جانشینان برحق ایشان بوده‌اند، منتقل شده است، لذا می‌توان در این فراز، کلام امام<sup>(ع)</sup> را اقتباسی از آیه فوق دانست که امام<sup>(ع)</sup> مقصود خود را در قالب الفاظی جدید بیان می‌دارد و گویا قصد دارد با این اقتباس بفرماید که خط، اندیشه و هدف امام<sup>(ع)</sup> امتداد خط پیامبر<sup>(ص)</sup> می‌باشد.

ب) در فرازی دیگر از این خطبه که در قالب استفهام انکاری بیان شده است، امام می‌فرماید: «هَلْ يَعْرِفُونَ قَدْرَ الْإِمَامَةِ وَ مَحَلَّهَا مِنْ الْأُمَّةِ فَيَجُوزُ فِيهَا اخْتِيَارُهُمْ؟ إِنَّ الْإِمَامَةَ أَجَلٌ قَدْرًا وَ أَكْثَرُ شَأْنًا وَ أَعْلَى مَكَانًا وَ أَمْنَعُ جَانِبًا وَ أَبْعَدُ غَوْرًا مِنْ أَنْ يَبْلُغَهَا النَّاسُ بِعُقُولِهِمْ أَوْ يَنَالُوهَا بِأَرْئِهِمْ أَوْ يُقِيمُوا إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ» (همان، ج ۱: ۲۱۶). مردم حق ندارند بدون اذن مالک و خالق خود کسی را برای خود به عنوان امام و جانشین پیامبر برگزینند و خدای سبحان هم نه تنها به آنان چنین اجازه‌ای نداده بلکه آنان را از این کار بر حذر داشته است؛ زیرا انتخاب مردم متوقف بر این امر است که بتوانند مقام و جایگاه رفیع امامت را در میان امت درک کنند، در حالی که قدر امامت، والاتر، شأن آن عظیم‌تر، جایگاه آن بالاتر، کرانه‌هایش، دورتر، و عمق آن، ژرف‌تر از آن است که مردم با عقول خود بتوانند آن را درک کنند یا با انتخاب خود، امامی برگزینند. بنابراین، عقول بشر از ادراک این مقام منیع، قاصر است.

با نگاهی گذرا به نص صریح قرآن، روشن می‌شود که مطلب فوق نیز در قرآن مورد تأیید قرار گرفته است و هر جا سخن از نصب و انتخاب امام است، فاعل آن خداوند می‌باشد؛ مثلاً خداوند می‌فرماید: ما منصب و مقام امامت را جعل کردیم و به برگزیدگان اعطا می‌کنیم: ﴿فَاخْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (القلم / ۵۰) و یا ﴿وَمَنْ يَرْغَبْ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (البقره / ۱۳۰) و یا سایر آیاتی که در آنها، مشتقات (اجتبه یا اصطفا) آمده است. بنابراین، عبارت «يُقِيمُوا

إِمَامًا بِاخْتِيَارِهِمْ» را می‌توان اقتباس استنباطی با انگیزه تحذیر از انتخاب، از این آیات دانست که منظور و مقصود، در قالب الفاظی جدید بیان شده است.

ج) حضرت در عباراتی در قالب الفاظی جدید با اقتباس از آیاتی که شفقت و دلسوزی رهبران الهی، از جمله پیامبر بزرگ اسلام<sup>(ص)</sup> را بیان می‌فرماید؛ مانند: ﴿لَعَلَّكَ بِاِخِعِ نَفْسِكَ أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ \* إِنَّ نَسْأَ نُنزِّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ﴾ (الشعراء/۳-۴) و یا ﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ﴾ (التوبة/۱۲۸)، شفقت و مهربانی امام را به تصویر کشیده است و در واقع، با تطبیق کلام خود بر این آیات، به توصیف امام پرداخته است و می‌فرماید: «الْإِمَامُ الْأَنْبِيَسُ الرَّفِيقُ وَالْوَالِدُ الشَّفِيقُ وَالْأَخُ الشَّقِيقُ وَالْأُمُّ الْبُرَّةُ بِالْوَالِدِ الصَّغِيرِ وَمُفْرَعُ الْعِبَادِ فِي الدَّاهِيَةِ النَّادِ» (ابن بابویه، پیشین، ج ۱: ۲۱۶). امام، انیسی است همراه، پدری است مهربان، او برادر تنی است، مادری است که به کودک خردسالش سخت مهر می‌ورزد و در مصائب پناه بندگان بی‌پناه است.

## ۵-۵) اقتباس اشاره‌ای

در این گونه اقتباس که بر پایه معدود واژگانی از متن اصلی بنا می‌شود، آفریننده ادبی با اشاره یا نشانه‌ای کوتاه به برخی اشخاص یا حوادث و داستان‌های قرآن کریم، به اثر خود غنا و عمق می‌بخشد و با همین اشاره یا نشانه، تمام ماجرا برای مخاطب یادآوری می‌شود، بی‌آنکه حضور لفظی کامل از ماجرا در متن باشد (ر.ک؛ عباس‌زاده، ۱۳۸۹: ۱۱). ذیلاً به نمونه‌ای از این اقتباس در خطبه اشاره می‌شود.

حضرت در ابتدای خطبه، در پاسخ به سؤال عمر بن عبدالعزیز مبنی بر اختلافات زیاد مردم در موضوع امامت، با اقتباس اشاره‌ای به واقعه بزرگ غدیر و امامت حضرت علی<sup>(ع)</sup> و جانشینی پس از پیامبر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَقْبِضْ نَبِيَّهُ»<sup>(ص)</sup> حَتَّىٰ أَكْمَلَ لَهُ الدِّينَ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنَ فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ خَدَايَ - عَزَّ وَجَلَّ - جَانِ بِمَبْرٍ خُودَ رَا نَكْرَفَتْ، مَگر آنگاه که دین را برای او تمام کرد و قرآن را بر او فرو فرستاد که در آن بیان هر چیز است»

(همان، ج ۱: ۲۱۶). این عبارت اقتباسی است از آیه ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾ (المائدة/ ۳) و نیز آیه ﴿وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ﴾ (النحل/ ۸۹).

برجسته‌ترین نکته در این نوع اقتباس، تغییر اسلوب یا سبک سخن است. سبک گفتگو و محاوره‌ای قرآن در کلام امام<sup>(ع)</sup> به سبک روایت تبدیل شده است و حضرت با تغییراتی که از لحاظ صرفی و نحوی (مخاطب به غایب) در این عبارات داده، بر این امر تأکید می‌کند که خداوند تبارک و تعالی دین خود را برای این امت تمام نمود، شریعت و احکام آن را تبیین نمود و آنچه را که امت بدان نیازمند بود، چیزی فرو گذار ننموده است. در نتیجه، چگونه ممکن است که کتاب شریفی که بیانگر هر چیزی است، در امر خطیر امامت که از مهم‌ترین امور است، سکوت اختیار کرده باشد و بیان روشنی نداشته باشد؟ در واقع، آن حضرت کلام خداوند را دلیل بر سخن خود و تبیین این حقیقت می‌آورد که دین اسلام و کتاب آسمانی آن، دین و کتاب کاملی هستند که همه جنبه‌های ضروری مادی و معنوی انسان را در نظر گرفته است که یکی از ضروریاتی که امت تا روز قیامت به آن نیازمند بوده و است، امامت و داشتن امام است و مسئله‌ای است که نه تنها فروگذار نشده، بلکه نشانه‌ی تمامیت دین است.

### نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده، نتایج زیر حاصل می‌شود:

- ۱- با بررسی دوران امام رضا<sup>(ع)</sup> و اوج گرفتن مباحث کلامی، به‌ویژه موضوع امامت در دوران این امام همام درمی‌یابیم که حضرت برای روشن ساختن ابعاد و زوایای گوناگون امامت، از واژگان، تعابیر و مفاهیم قرآنی به صورت گسترده استفاده و یا به عبارتی، اقتباس فرموده‌اند و این مسئله باعث عمق معانی و تأثیرگذاری دوچندان کلام ایشان شده است.
- ۲- در اقتباس‌هایی که امام رضا<sup>(ع)</sup> از آیات قرآن انجام داده‌اند، در برخی، آیات قرآن بدون تغییر اقتباس شده است. در برخی موارد دیگر، قسمتی از آیات اقتباس شده از لحاظ ساختار صرفی، نحوی و واژگان دچار تغییر شده است و در موارد دیگری نیز آیه



اقتباس شده به طور کامل دچار تغییر شده است و عبارات و الفاظ آیه کاملاً با عبارات و الفاظ دیگر بیان شده است.

۳- تعدادی از آیات به کار رفته در کلام امام<sup>(ع)</sup> به دلیل نداشتن شرط اقتباس، تنها جنبه استناد و اسشتهاد دارند و نمی‌توان این آیات را حمل بر اقتباس کرد.

۴- پرسامدترین اقتباس‌های قرآنی در خطبه امام رضا<sup>(ع)</sup>، اقتباس متغیر و استنباطی است.

۵- مهم‌ترین و به عبارتی، بیشترین کاربرد این وام‌گیری‌ها در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup>، تطبیق عبارات قرآنی بر مصادیق جدید غیر از مصادیق به کار رفته در آیات می‌باشد و در این اقتباس‌ها، امام<sup>(ع)</sup> برای بیان اوصاف و شایستگی‌های امام بیشتر از آیاتی که به پیامبر بزرگ اسلام<sup>(ص)</sup> مربوط است، بهره برده است.

#### پی‌نوشت:

۱- ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۲۵: ۱۲۱-۱۲۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق.، ج ۱: ۱۹۸-۲۰۳؛ ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷ق.، ج ۲۱۶-۲۲۴؛ ابن‌بابویه قمی، ۱۴۰۳ق.، ج ۳۳-۳۴؛ همان، ۱۳۷۸ق.، ج ۱: ۲۲-۲۱۶؛ ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۶۳: ۴۴۲-۴۳۶ و طبرسی، ۱۴۰۳ق.، ج ۴۳۳-۴۳۶.

#### فهرست منابع

##### قرآن کریم.

ابن‌ابی‌زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۷ق.). *الغیبة للنعمانی*. تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری. تهران: بی‌نا.

ابن‌بابویه قمی، محمد بن علی. (۱۴۰۳ق.). *معانی الأخبار*. تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.

\_\_\_\_\_. (۱۳۷۸ق.). *عیون أخبار الرضا علیه السلام*. تحقیق و تصحیح مهدی

لاجوردی. تهران: نشر جهان.

ابن‌حجّه، تقی‌الدین بن علی. (بی‌تا). *خزانة الأدب و غایة الأرب*. تحقیق کوکب دیاب. بیروت - لبنان:

دار صادر.

- ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴/۱۳۶۳ق.). *تحف العقول*. تحقیق و تصحیح علی اکبر غفّاری. چاپ دوم. قم: بی‌نا.
- ابن فارس، أحمد بن فارس. (۱۴۰۴ق.). *معجم مقاییس اللّغة*. تحقیق و تصحیح عبدالسلام محمّد هارون. قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
- ابن منظور، محمّد بن مكرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. تحقیق و تصحیح جمال الدّین میردامادی. بیروت: دار الفكر للطباعة والنشر والتّوزیع.
- احمدنگری، عبدالنّبی بن عبدالرسول. (۱۴۲۱ق.). *قاضی عبدالنّبی بن عبدالرسول*. ترجمه از فارسی به عربی حسن هانی فحص. الطبعة الأولى. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- تفتازانی، سعدالدین. (۱۴۱۱ق.). *مختصر المعانی*. قم: دارالفکر.
- جرجانی، علی بن محمّد. (۱۳۲۱). *التّعریفات*. مصر: مطبعة الحمیدیة.
- خیاط، علی و محمّدعلی مهدوی راد. (۱۳۹۱). «اقتباس؛ گونه‌ای از تجلّی آیات قرآن در نیایش معصومان علیهم السلام». *علوم حدیث*. سال هفدهم. شماره ۶۴. صص ۹۰-۱۱۰.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۱۴ق.). *الاتقان فی علوم القرآن*. تحقیق محمّد بن ابوالفضل ابراهیم. قم: شریف رضی.
- طاهری، مرتضی. (۱۳۸۴). *امام؛ یگانه دوران*. قم: دلیل ما.
- طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ق.). *الإحتجاج علی أهل اللّجاج (للطّبرسی)*. تحقیق و تصحیح محمّدباقر خراسان. مشهد: نشر مرتضی.
- عبّاس زاده، حمید. (۱۳۸۹). «اقتباس‌های قرآنی در نهج البلاغه». *فصلنامه مطالعات تفسیری*. سال ۱. شماره ۱. صص ۳۸-۵۵.
- عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نور الثقلین*. تحقیق سیّد هاشم رسولی محلاتی. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق.). *تفسیر القمی*. تحقیق و تصحیح طیّب موسوی جزائری. قم: دار الکتب.
- قمی مشهدی، محمّد بن محمّد رضا. (۱۳۶۸). *تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب*. تحقیق و تصحیح حسین درگاهی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

کاشفی سبزواری، میرزا حسین. (بی تا). *بدايع الأفكار في صنایع الأشعار*. تصحيح ميرجلال الدين كزازی. تهران: نشر مركز.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق.). *الکافی*. تهران: دار الکتب الإسلامية.

کوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰ق.). *تفسیر فرات الکوفی*. تحقیق و تصحيح محمد كاظم. تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزارة الإرشاد الإسلامي.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: دار الإحياء تراث العربي.

مجلسی، محمدتقی. (۱۴۱۴ق.). *لوامع صاحب قرآنی مشهور به شرح فقیه*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

معین، محمد. (۱۳۴۲). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیرکبیر.

مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامية.

همای، جلال الدین. (۱۳۶۴). *فنون بلاغت و صناعات ادبی*. تهران: توس.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی